ضمیمه نوجوان
شماره ۹۳■۱۹ اسفند ۱۴۰۰
نوجوانه جام جم

درباره اختلاف نظرهای والدین و مدارس سر موضوعات مهم

اگه فاصله افتاده...

یک میز را که بخواهی بلند کنی دو نفر باید دو طرفش را بگیرند و باهم از جا بلندش کنند. یکی اگر خیلی دستش را بالا بگیرد یکی پایین، یکی تند حرکت کند و یکی کند و خلاصه اگر همراه و همسو حرکت نکنند بار به مقصد نمی‌رسد. میز زبان بسته هم اگر می‌توانست حرف بزند، احتمالا می‌گفت جان هرکسی دوست دارید مرا رها کنید. این همان حالتی است که خیلی اوقات نوجوان‌ها و دانش‌آموزان بین رفتارهای متفاوت و گاه متضاد مدرسه و والدین دچارش می‌شوند.

تقسیم وظیفه

خانواده‌هایی هستند که وظیفه خود را برای فرزند دلبند، تامین خورد و خوراک و پوشاک می‌دانند و بقیه کارها را می‌سپارند دست مدرسه. از این دسته که بگذریم باید بدانیم که مشارکت والدین در امر آموزش شامل فراهم‌کردن محیطی امن برای یادگیری، ایجاد انگیزه در فرزند، انتقال هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، شکل‌دادن به انعطاف‌پذیری دانش‌آموز از طریق پرورش سواد و حل مساله و تقویت آرزوهای شخصی و اجتماعی او است.

خب در مقابل مدرسه هم باید مهارت‌های زندگی رو به دانش‌آموزان بیاموزد که معمولا انجام نمی‌دهد و تنها به آموزش و سواد آموزی اکتفا می‌کند. گرچه خیلی از خانواده‌ها راضی به همین مسیرند که نهایت‌اش منجر شود به قبولی در کنکور و دکتر و مهندس شدن فرزندانشان.

اما اغلب خانواده‌ها در سه مورد اساسی با مدرسه دچار اختلاف نظر و رفتار می‌شوند:

۱. شناخت

معمولا برداشت خانواده‌ها و شناخت‌شان از نوجوان یک چیز است و مدرسه یک چیز دیگر. شاید دلیل اصلی اش این باشد که اساسا نوجوان نیازی نمی‌بیند یک شخصیت واحد از خودش در جاهای مختلف به نمایش بگذارد. از طرفی خیلی اوقات نوجوان در خانواده تنهاست و طبیعتا دنبال خلوت است و کمتر وارد معاشرت‌ها می‌شود ولی در جمع دوستان و همکلاسی‌ها شور و هیجان دیگری دارد. گاهی مدرسه به واسطه چند معلم آگاه، به ویژگی‌های نسلی نوجوان توجه می‌کند ولی اغلب خانواده‌ها از این مساله غافلند. برای همین است که رفتارهای متفاوتی با او دارند و هرکسی از ظن خودش یار نوجوان می‌شود.

۲. سیاست‌ها

اساسا متدهای تربیتی مختلفی در خانواده‌های گوناگون رایج است. از دوست شدن با فرزند تا رفتار مقتدارنه یا تنبیه و تشویق‌های مختلف و خلاصه سیاست‌هایی در خانه بین والدین و فرزندانشان جاری است که معمولا مدرسه از آنها غافل است. هراز چندگاهی که یک فیلم از مدرسه‌ای بیرون می‌آید و دخترها و پسرها با حرکات موزون و دست و پایکوبی به نمایش درمی‌آیند، یادمان می‌افتد که انگار آنها در زمان‌های دیگر در مدرسه تحت فشارهایی هستند. معمولا این بچه‌ها در خانه از شرایط بازتری برخوردارند. یا شاید حتی برعکس، چون در خانه محدودیت‌هایی دارند در مدرسه و پیش همسالانشان دنبال رفتارهای متفاوت می‌گردند. مخصوصا وقتی پای آموزه‌های دینی وسط می‌آید این تفاوت سیاستگذاری در خانه و مدرسه بیشتر خودش را نشان می‌دهد و دانش آموز بیچاره را هم دچار سردرگمی می‌کند.

۳. تفاوت‌های بومی و منطقه‌ای

شک ندارم این یکی را اغلب نوجوان‌ها چشیده‌اند. مخصوصا هرچقدر به مناطقی از کشور می‌رویم که ویژگی‌های بومی بیشتری دارند. فرض کنید نوجوانی را که بعد باید به مدرسه برود پای زمین کشاورزی پدر و کمک دست او باشد. در حالی که از صبح تا عصر توی مخش کرده‌اند که ریاضی و فیزیک و انتگرال و... مهم است و آینده تو از این راه تامین می‌شود و ورود به دانشگاه هم تنها قله موفقیت است.

دلیل این آسیب، وجود آموزش متمرکز در مدارس ماست که به نوجوان بوشهری و مشهدی، تهرانی و سیستان و بلوچستانی می‌خواهد یک چیز بیاموزد؛ بدون توجه به نیازها و ویژگی‌های بومی آنها.

کرونا

کرونا که آمد، اختلافات مدرسه و خانواده به اوج رسید. اولش که والدین نمی‌دانستند با فرزندشان که تا قبل از این، هر روز به مدرسه می‌رفت و حالا تمام وقت کنارشان بود چه کنند. مدارس هم بار زیادی از درس‌خواندن بچه‌ها را انداخته بودند روی دوش والدین. بعد هم دوگانه مدرسه مجازی و کلاس‌های حضوری همه را به چالش کشید. چیزی که هنوز هم برقرار است. شواهد گفت‌وگو با تعدادی از والدین دانش‌آموزان مقاطع مختلف، بیانگر این نکته است که با وجود رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مدارس، بسیاری از دانش‌آموزان همچنان در استرس ابتلا به بیماری کرونا قرار دارند و این استرس والدین آنها را هم تحت تاثیر قرار داده است.

نمونه حرف‌های یک مادر:

بخشی از دغدغه والدینی که فرزند محصل دارند در واقع به مساله رفت و آمد آنها با وسایل نقلیه عمومی و اجبار به استفاده از این وسایل بازمی‌گردد و البته از کم سن و سال بودن اغلب دانش‌آموزان و سهل‌انگاری برخی از آنها در استفاده از ابزار خود مراقبتی مثل ماسک و دستکش هم نباید غافل شد.

از طرفی آنها فهمیده‌اند که دروسی مثل ریاضی، زبان و بخش‌هایی از علوم تجربی که دارای فرمول‌های مختلف هستند، نیازمند برگزاری کلاس حضوری بوده و امکان آموزش دانش‌آموزان در قالب کلاس‌های آموزشی آنلاین وجود ندارد.

چاره کار

این وسط دانش‌آموزان و نوجوان‌ها مظلوم‌اند که بین این اختلاف‌ها گیر کرده‌اند. و انگار کسی نمی‌خواهد چاره‌ای برای دیدگاه‌های متفاوت والدین و مدرسه کند. در صورتی که یک فکر برای این مساله شده است؛ انجمن اولیا و مربیان. اما متاسفانه این نهاد هم دقیقا مثل خیلی از چیزهای دیگر فرمالیته است و به جای پرداختن به این مسائل، فقط جایی است برای حضور چند خانواده پولدارتر مدرسه که می‌توانند دردهای مالی مدرسه را رفع و رجوع کند.





زهرا قربانی